

بررسی نقش دینداری در سرمایه اجتماعی کارکنان شرکت ملی صنایع پتروشیمی ماهشهر

مهری بهار¹

مهدی میثمی²

تاریخ دریافت: 90/11/20 تاریخ پذیرش: 91/6/4

چکیده

هدف از نگارش این مقاله تبیین نظری و تجربی مدل تحلیلی است که در آن میزان دینداری و ابعاد آن متغیر مستقل و سرمایه اجتماعی به مثابه متغیر وابسته تعریف گردیده‌اند. با توجه به مباحث نظری مطرح در حوزه سرمایه اجتماعی و دیدگاه صاحب‌نظرانی چون کلمن، پاتنام و فوکویاما، مؤلفه‌های "اعتماد"، "انسجام" و "مشارکت" به عنوان مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند. این تحقیق میان کارکنان صنایع پتروشیمی انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه دارای اعتبار و قابلیت اعتماد می‌باشد. جامعه آماری شامل تمام کارکنان رسمی شرکت‌های پتروشیمی واقع در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی در ماهشهر می‌باشد. این افراد در 8 شرکت پراکنده و 3100 نفر می‌باشند. از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده گردید به طوری که از بین کارکنان، به صورت تصادفی نمونه‌گیری به عمل آمده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده و تعداد نمونه مورد نیاز، 320 نفر برآورد گردید. بر اساس یافته‌های تحقیق وجود رابطه مثبت و مستقیم بین دینداری با سرمایه اجتماعی به اثبات رسیده است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، دینداری، اعتماد، مشارکت، انسجام، دین.

1. استادیار دانشگاه تهران. mbahar.ut@gmail.com

2. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

مقدمه

تأمین نیازهای اجتماعی از طریق همکاری و تعاون میان انسان‌ها امکان پذیر است، زیرا انسان به‌طور ذاتی در تعامل و تقابل با دیگران، نیازهای خود را بر طرف ساخته و گذران امور می‌کند. اثرات این کنش‌های متقابل به حدی است که حذف آن، زندگی را غیرممکن می‌سازد. انسان‌ها با تشکیل شبکه‌ها، گروه‌ها و اجتماعات می‌توانند توانمندی‌ها و تخصص‌های خود را با یکدیگر مبادله نموده و کارایی تلاش‌های خویش را افزایش دهند.

سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به‌عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، زیرا این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند. هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را تولید می‌کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد (الوانی، 1380).

پژوهش حاضر به‌دنبال عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی کارکنان صنایع پتروشیمی ماهشهر است. علت انتخاب این موضوع شرایط نسبتاً پیچیده حاکم بر منطقه‌ای است که شرکت‌های موضوع این تحقیق در آن قرار دارند. مسایل گوناگونی در این منطقه وجود دارند که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- غیربومی بودن کارکنان صنایع پتروشیمی مستقر در منطقه ماهشهر که تقریباً این افراد از تمام استان‌های کشور برای زندگی به همراه خانواده خود به این منطقه مهاجرت نموده‌اند.

- ناهمگونی فرهنگی ناشی از غیربومی بودن.

- جوان و دارای تحصیلات عالی بودن کارکنان و خانواده ایشان.

- عدم وجود امکانات رفاهی، تفریحی، اقتصادی و علمی مناسب متناسب با سطح فرهنگی و علمی کارکنان و خانواده آنان در منطقه.

- مقیم نبودن تعداد زیادی از مدیران و مسئولان شرکت‌های تابعه و خانواده ایشان در منطقه و عدم درک مناسب.

از مسائل و مشکلات کارکنان و ایجاد شکاف عمیق میان خواسته مدیران و کارکنان که نتیجه آن عدم تعلق خاطر کارکنان به منطقه و نبودن علاقه به ادامه اقامت در آن می‌باشد. برآورده نشدن انتظارات کارکنان به صورت نارضایتی، درخواست انتقالی و یا گونه‌های دیگر بروز می‌نماید.

با توجه به نکات فوق، تحقیق حاضر به دنبال بستری مناسب برای تجزیه و تحلیل روابط اجتماعی کارکنان است که از این رهگذر، سرمایه اجتماعی، زمینه‌ساز ارائه تحلیل علمی از این پدیده است. به عبارت دیگر در بستر سرمایه اجتماعی و بررسی مسایل پیرامون آن، می‌توان روابط و عوامل مؤثر بر آن را رمزگشایی کرده و راهکارهایی در جهت بهبود شرایط ارائه داد.

بدیهی است که تکوین سرمایه اجتماعی مستلزم وجود عواملی چند است که یکی از آن عوامل، دین و فرهنگ دینی است. دین به عنوان ارزشی متعالی با کارکردهایی چون انضباط‌بخشی، حیات‌بخشی، انسجام‌بخشی و... سازوکارهایی را موجب می‌شود که در قالب آن‌ها سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. همچنین با توجه به تأثیری که دین می‌تواند در چگونگی روابط میان آدمیان (که دغدغه اصلی اندیشمندان حوزه سرمایه اجتماعی می‌باشد) داشته باشد ضرورت تبیین دقیق و علمی تأثیر میزان دینداری بر سرمایه اجتماعی و نشان دادن چگونگی این تأثیر و بررسی جهت و شدت آن روشن می‌گردد.

مروری بر تعریف سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، به اعتقاد صاحب‌نظران و محققان این مفهوم، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها به واسطه پیوندها و ارتباطات میان خود و کیفیت این پیوندها و ارتباطات، می‌توانند از آن بهره‌گیری نمایند. بسیاری از صاحب‌نظران، ترکیب دو واژه "سرمایه" و "اجتماع" را در واقع، تلفیق حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، و تأثیر و تأثرات این دو حوزه از یکدیگر می‌دانند. وجود واژه سرمایه، در ترکیب سرمایه اجتماعی، بر مولد بودن و توانایی بالقوه سرمایه اجتماعی تأکید دارد که مانند سایر سرمایه‌ها می‌تواند افراد را در رسیدن به اهداف، انجام دادن کارها و ایفای نقش‌های مختلف یاری نماید. واژه اجتماعی نیز بر این امر تأکید می‌کند که سرمایه اجتماعی برخلاف سایر اشکال سرمایه، دارایی و منابع فردی نیست، بلکه توان بالقوه‌ای است که در شبکه روابط نهفته بوده و افراد بنا به میزان

نسبت شان با این روابط، می‌توانند از این توان و منبع بهره‌برداری کنند بدون این که مالک شخصی آن باشند.

نظریه سرمایه اجتماعی به‌طور ذاتی بسیار ساده است. ایده محوری آن را می‌توان در واژه "روابط" خلاصه کرد. این سرمایه، همان‌قدر که در زمینه اولیه خود مفید است، می‌تواند در سایر زمینه‌ها هم مفید باشد. در مجموع بدیهی است که هر چقدر افراد بیشتری را بشناسید و هر چقدر دید مشترک بیشتری با آن‌ها داشته باشید، شما سرمایه اجتماعی غنی‌تری را خواهید داشت (فیلد، 1388: 7). به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادینه شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر عضویت در یک گروه است (شارع‌پور، 1380: 102).

نکته مشترک همه تعاریف سرمایه اجتماعی دو مسئله است که به وضوح در اکثر آن‌ها به روشنی دیده می‌شود. همه تعاریف سرمایه اجتماعی در این نکته توافق دارند که اجزایی همچون هنجارها، اعتماد و بده بستان که در روابط اجتماعی عمل می‌کنند، جزیی از این مفهوم هستند و دوم اینکه عملکرد اجزای فوق و کارکرد سرمایه اجتماعی در راستای گسترش و تسهیل همکاری و کنش جمعی است. و از این رو می‌تواند به نتایجی دست پیدا کند که در نبود این پدیده، دستیابی به آن‌ها ممکن نبود و یا با دشواری بسیار زیادی همراه می‌شد (شجاعی باغینی، 1387: 396).

صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی

جیمز کلمن در تعریف سرمایه اجتماعی، به جای در نظر گرفتن ماهیت و محتوای آن، کارکردهای سرمایه اجتماعی را مدنظر داشته و سرمایه اجتماعی را برحسب کارکردش تعریف می‌کند. به نظر کلمن، سرمایه اجتماعی، بخشی از ساختار اجتماعی است که کنشگر می‌تواند با استفاده از آن به اهداف خویش دست یابد. از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به‌عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. او وجود سرمایه اجتماعی را در اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت اجرای کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکالیف در گروه می‌داند (شارع‌پور، 1383: 301).

مفهوم سرمایه اجتماعی برای کلمن وسیله‌ای جهت تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر بود. همان‌طور که سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی فعالیت‌های تولیدی را تسهیل می‌کنند، سرمایه اجتماعی نیز همین کار را انجام می‌دهد. گروهی که در میان اعضای آن وفاداری و اعتماد شدید وجود دارد بدون شک می‌تواند کارهای بسیار بزرگ‌تری در مقایسه با گروه دیگری که فاقد اعتماد و وفاداری میان اعضا می‌باشد به انجام برساند (کلمن، 1988).

از نظر کلمن، عامل مهمی که بر ایجاد و نابودی سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد ایدئولوژی است. ایدئولوژی می‌تواند با تحمیل این خواست به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند، سرمایه اجتماعی به‌وجود آورد. این امر در اثراتی که ایدئولوژی مذهبی در وادار کردن افراد، به توجه به منافع دیگران دارد آشکاراست. پاتنام نوع خاصی از هنجارهای همیاری را مولدترین جزء سرمایه اجتماعی می‌داند و حتی آن را ملاک سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کند: «ملاک سرمایه اجتماعی، اصل همیاری تعمیم‌یافته است، من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم، بی‌آنکه چیزی فوراً در مقابل انتظار داشته باشم و شاید حتی بی‌آنکه شما را بشناسم، با این اطمینان که در طول راه، شما یا دیگری لطف مرا پاسخ خواهید داد» (پاتنام، 2000: 134).

پاتنام معتقد است در جوامعی که به‌واسطه وجود شبکه فشرده مبادلات اجتماعی هنجارهای همیاری تقویت شده و از آن‌ها پیروی می‌شود، به‌گونه‌ای مؤثر می‌توان بر فرصت‌طلبی فائق آمد و معضل کنش جمعی را حل نمود (فیروزآبادی، 1384). وی معتقد است که در جوامع مدنی، سازمان‌هایی از قبیل اتحادیه‌ها، کلیساها و گروه‌های اجتماعی، از طریق پیوند بین شکاف‌های اجتماعی تفرقه‌انداز مانند متحد ساختن مردم دارای ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت، بهبود بخشیدن خلق‌و‌خوهای قلبی، همانند بردباری و رابطه متقابل و همچنین از طریق مشارکت در ایجاد زیربنای اجتماعی استوار، در ایجاد سرمایه اجتماعی ایفای نقش می‌کنند (پورموسوی، 1381: 161).

فوکویاما در ارتباط با سرمایه اجتماعی به دو نکته انضمامی اشاره می‌کند: نکته اول این‌که سرمایه اجتماعی به این دلیل زیرمجموعه سرمایه انسانی نیست که متعلق به گروه‌هاست، در حالی‌که سرمایه انسانی متعلق به افراد است. نکته دوم این‌که، سرمایه

اجتماعی برای موفقیت تمام فعالیت‌های اجتماعی، خواه خوب و خواه بد ضروری است. به‌عنوان مثال، حتی گروه‌های سارقان نیز برای موفقیت در کارهای‌شان به سطحی از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نیاز دارند. از نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی به‌خاطر تأثیرش بر کیفیت تعاملات اجتماعی و تقلیل هزینه‌های مدیریتی، می‌تواند بر کیفیت زندگی افراد تأثیرگذار باشد (علوی، 1380).

فوکویاما بر وجود هنجارها و ارزش‌های غیررسمی در یک گروه تأکید دارد. سرمایه اجتماعی به نظر وی مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی است که اعضای گروهی که همکاری میان آنان مجاز است در آن سهیم هستند. از دیدگاه وی یکی از منابع اصلی برای تولید سرمایه اجتماعی در سطح جهانی خانواده است که با ایفای نقش خود می‌تواند زمینه پیوند و اعتماد را ایجاد کند (فوکویاما، 1385: 11). از نظر فوکویاما راه‌های ایجاد سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از:

1. نهادی: از طریق قوانین و نظام‌های قانونی؛
2. خودجوش: که از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به‌وجود می‌آید؛
3. برون‌زاد: که منظور آن است که سرچشمه هنجارها غیر از همان اجتماعی است که در آن به‌کار می‌روند، و در این میان نقش دین، ایدئولوژی و فرهنگ بسیار برجسته است. در این جهت وبر نیز به تأثیر دین در ایجاد شبکه‌های اعتماد که وجود آن‌ها برای روابط تجاری و اقتصادی ضروری است اشاره می‌کند.
4. طبیعت: که بیشترین تأکید آن بر اهمیت نظام‌های خویشاوندی است (فوکویاما، 1385: 156).

با توجه به موضوع مقاله حاضر، فقط به نقش مذهب تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی اکتفا می‌کنیم. منظور از این دسته عوامل، هنجارهایی است که از جایی غیر از همان اجتماعی که در آن به‌کار رفته، سرچشمه می‌گیرند و نه به‌غیر از طریق کنش متقابل آن اجتماع با محیط خارجی آن. اکثر مذاهب بزرگ از خارج وارد شده و بارها بر جمعیت‌ها تحمیل گشته است. مسیحیت، دین بودا و اسلام همه در جاهایی غیر از جوامعی که بیشترین توسعه این مذاهب را به خود دیده‌اند، به‌وجود آمده‌اند (همان: 102).

نقش دین در تکوین سرمایه اجتماعی

در میان عناصری که در جامعه، سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند و یا حتی خود به‌عنوان سرمایه اجتماعی قلمداد می‌گردند، دین را نباید نادیده انگاشت. دین یکی از عوامل سازنده است که سرمایه اجتماعی نیز به نوعی آن‌ها را داراست. «افراد برحسب دین و مذهبی که دارند ممکن است منشأ مشارکت باشند مانند حضور و فعالیت در امور مساجد، تکایا، کلیساها و اماکن مذهبی و زیارتی» (الوانی و تقوی، 1380: 13). رابطه بین نهادهای اجتماعی دین و شبکه‌های ارتباطی افراد، توجه جامعه‌شناسان زیادی را به خود جلب نموده است و پیام‌هایی که آن نهادها به افراد جامعه ارسال می‌دارند و نظام‌هایی که فراهم می‌کنند و شبکه‌های اجتماعی که ایجاد می‌نمایند، همگی می‌توانند به‌عنوان منشأ و مبنایی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی عمل کنند.

ایوانز بر نقش فعالیت‌ها و مناسک دینی در بهبود کنش‌های متقابل افراد در پیوند و اعتماد آن‌ها به یکدیگر تأکید می‌کند و معتقد است که رفتار دینی با سایر مؤمنان، دوستان و اعضای خانواده می‌تواند گامی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی تلقی شود (ایوانز و دیگران، 1380: 162-165). همچنین کاندلند هم از این امر چشم‌پوشی نکرده که دین از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی، ارتباط با سایر هموعان، وظیفه‌شناسی، احترام نسبت به دیگران، صداقت و اعمال هنجارهای همیستگی می‌تواند مبنای سرمایه اجتماعی قلمداد گردد (کتابی و دیگران، 1383: 176) و در این جهت دین یک نیروی وحدت‌بخش است و حتی شاید بتوان گفت که خود به‌عنوان سرمایه اجتماعی در جامعه قلمداد می‌گردد.

دین بخش بزرگی از فرهنگ انسانی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند با ایجاد باورها و ارزش‌های مشترک میان پیروان خود و فراخوانی آن‌ها به انجام مناسک و اعمال مذهبی مشترک آنان را به دور یکدیگر جمع کرده و از این طریق موجبات استحکام و دوام اجتماعی را فراهم کند. از سوی دیگر همین ویژگی بارز دین، یعنی متحد ساختن افراد با یکدیگر به هنگام ضرورت اجتماعی می‌تواند این افراد یکپارچه را به رویارویی با ظلم و استبداد فراخواند و بدین ترتیب به گلوگاه انقلابی تبدیل گردد که هدفش مبارزه با ظلم و ستم بیدادگران است. از دیگر کارکردهای دین آن است که چتر حمایت معنوی خود را بر

پیروانش می‌گستراند و موجبات آرامش روحی و امید با آینده را در آنان فراهم می‌آورد. دیگر آنکه از طریق دعوت به هنجارها و ارزش‌های مثبت تثبیت شده، اسباب شکل‌گیری تعاملات اجتماعی سالم مبتنی بر سجایای اخلاقی مثبت چون صداقت، نوع‌دوستی، ایثار و اعتماد را فراهم می‌کند و بنابراین به مشارکت‌های گسترده افراد با یکدیگر دامن می‌زند و در نتیجه به ایجاد فضای مطلوب‌تر اجتماعی منجر می‌شود. و بر به اهمیت "دین" نه تنها به این خاطر که اخلاق کار ایجاد می‌کند، بلکه به این خاطر که شبکه‌های اعتمادی به وجود می‌آورد که برای روابط تجاری و مبادله اقتصادی ضروری است، اشاره می‌کند... در واقع گرایش شدیدی وجود دارد که برحسب آن هنجارهای اجتماعی، اگرچه منحصرأ نه، اما عمدتاً از مذهب سرچشمه می‌گیرد. برحسب این دیدگاه، دلیل اصلی تغییر هنجارهای اجتماعی پخش و گسترش ارزش‌های دنیوی در سرتاسر جامعه است، بنابراین بیشتر درمان شکل هنجارهای ناقص نیز مذهب است (فوکویاما، 1385: 103).

چارچوب نظری

در تحقیق حاضر، به دلیل موضوع مورد پژوهش، از چارچوب نظری ترکیبی بهره‌گیری شده است. برای توصیف سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، از نظریات جیمز کلمن و رابرت پاتنام استفاده گردیده است. "اعتماد" از مؤلفه‌هایی است که تمام نظریه‌پردازان حوزه سرمایه اجتماعی از جمله کلمن و پاتنام آن را به صورت یکی از ارکان سرمایه اجتماعی می‌شناسند. "تعهدات و انتظارات" از مؤلفه‌های مطروحه توسط کلمن می‌باشد که با توجه به شبکه اجتماعی که توصیف می‌کند، معتقد است که اگر الف کاری برای ب انجام دهد، الف انتظار دارد که ب نیز بعداً جبران نماید و این شبکه‌ای از بده بستان‌ها را تشکیل می‌دهد که عامل "انسجام اجتماعی" و همیاری و احساس تعلق میان افراد گروه و جامعه می‌گردد. از طرفی رابرت پاتنام، در کنار تأکید بر اعتماد، بر هنجارهای درونی شده نیز تأکید فراوان دارد و آن را، از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی ذکر نموده است. "مشارکت" در امور و کارها نیز از هنجارهایی هستند که درونی شدن آن‌ها به ایجاد و تثبیت سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام، کمک شایانی می‌نماید. لذا مؤلفه‌های مورد توجه

برای توصیف سرمایه اجتماعی در سازمان، "اعتماد"، "مشارکت" و "انسجام" در نظر گرفته شده‌اند.

تعریف نظری و عملی متغیرها

با تعریف نظری و علمی متغیرهای مطرح شده در مدل تحقیق که مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی، یعنی اعتماد، مشارکت و انسجام (همیاری و احساس تعلق) می‌باشند، سعی خواهیم نمود فضای مفهومی و نظری متغیرها و نحوه عملیاتی کردن و کمیت‌پذیری نمودن آن‌ها را ارائه دهیم. از طرفی عامل مؤثر را که میزان دینداری می‌باشد را شرح خواهیم داد.

اعتماد متقابل

اعتماد¹، دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی دارد که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند. اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. اعتماد مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه، افزایش می‌دهد (زین‌آبادی، 1387: 11) و شبکه اعتماد عبارت است از گروهی که براساس اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادلات فی‌مابین خود استفاده می‌کنند. از این رو، اعتماد فی‌مابین نقش زیادی در تسهیل فرآیندها و کاهش هزینه‌های مربوط به اینگونه تبادلات دارد (علوی، 1382: 1).

کلمن مبنای شکل‌گیری و تداوم اعتماد را حفظ و ارضای منافع می‌داند و از نظر فوکویاما، با توجه به تمرکز وی بر حفظ سرمایه اجتماعی به‌عنوان مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی، نقش مهمی برای اعتماد در حفظ این ارزش‌ها، قایل است. مترادف‌های بسیاری برای آن ذکر شده، از جمله اشتراک، همدلی، تحمل و برادری، اطمینان، اتکا داشتن، آرامش داشتن، به دیگری تکیه کردن و...؛ اما در کل می‌توان آن را برآیند و ماحصل انگیزش و محرکی برای شکل‌گیری روابط اجتماعی دانست. اعتماد

1. Trust

اجتماعی مستلزم معیارهایی چون، صداقت، عینیت، انصاف و... همه آن چیزهایی است که روابط افراد را براساس عمل مداوم به این ملاک‌ها تداوم و وسعت می‌بخشد (همان: 12). لذا برای سنجش این متغیر از مؤلفه‌های زیر استفاده شده است: صداقت، وفای به عهد، احساس امنیت کردن، صمیمیت، امانت داری، اطمینان که هر کدام در قالب پرسشی آمده است.

مشارکت

مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان یافته‌ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص به منظور سهیم شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد و نمود چنین مشارکتی وجود نهادهای مشارکتی همچون انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های محلی و غیردولتی است (ازکیا و غفاری، 1383: 287)؛ ولی در این جا به دلیل بررسی مشارکت بین کارکنان در سازمان، "مشارکت شغلی" مدنظر قرار گرفته شده است و بیشتر فعالیت گروهی، همکاری از طریق مشورت کردن، تعامل با همکاران، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، در میان گذاشتن مشکلات با همکاران و... مورد توجه و سنجش قرار گرفته‌اند.

انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه (گروه یا سازمان) دلالت می‌کند. این انسجام، حاصل پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه، وجود تعلق جمعی، همیاری و ناشی از تراکم تعامل اجتماعی میان افراد آن جامعه است. برای سنجش و عملیاتی نمودن این مفهوم از شاخص‌های، گرایش افراد به یکدیگر، میزان تعامل و ارتباط اجتماعی میان افراد و میزان رعایت هنجارهای همیاری استفاده گردیده است.

دینداری

دینداری دارای ابعاد و اجزایی است که از وجوه مختلف دین منبعث گردیده و به نوبه خود نسبتی با ابعاد وجودی انسان دارد (شجاعی زند، 1384: 34). دینداری، به بیانی کلی، یعنی داشتن "اهتمام دینی" به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. دینداری برخی آثار فردی و اجتماعی هم دارد، ولی این مقولات در صورت داشتن ارزش

سنجش باید در زمره نشانه‌ها و آثار دینداری شمرده شوند. اگر دینداری را تأیید و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد بدانیم و آن را از طریق ابعاد تفصیلی یافته‌اش، یعنی عقیده و ایمان و عبادت و اخلاق و شریعت دنبال کنیم، با ابعاد پنج‌گانه زیر می‌توان شناخت: معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن، متشرع بودن (همان: 54).

تعریف عملیاتی دینداری در این مقاله براساس مدل "گلاک واستارک" است. که به عقیده ایشان علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی در ادیان مختلف؛ اما وجوه مشترکی بین آن‌ها می‌توان یافت. این عرصه‌ها ابعاد اصلی دینداری را تشکیل می‌دهند و عبارت‌اند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی (اعمال دینی)، عاطفی، پیامدی و فکری، در این تحقیق سعی بر این بوده که جهت سنجش دینداری از این مدل استفاده گردد و بدین منظور ابعاد پیش‌گفته با دین مبین اسلام تطبیق داده شده‌اند که در ذیل به توضیح مختصر هر کدام از آن‌ها می‌پردازیم:

1. بعد اعتقادی یا باور دینی که عبارت است از ایده‌ها و نگرش‌هایی که انتظار می‌رود پیروان یک دین به آن اعتقاد داشته باشند همانند اعتقاد به خدا، دوزخ و ...
2. بعد مناسکی یا اعمال دینی که انتظار می‌رود پیروان یک دین آن‌ها را به‌جا آورند که شامل نماز، روزه و ... در دین اسلام می‌باشد.
3. بعد عاطفی یا تجربی که ناظر به عواطف، تصورات و احساسات پیروان یک دین با وجودی ربوبی همچون خدا یا واقعیتی غایی و اقتداری متعالی است.
4. بعد فکری یا دانش دینی که مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های بنیادی در مورد معتقدات هر دین است.
5. بعد پیامدی یا آثار دینی که ناظر بر اثر باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی است و به‌عبارت دیگر تأثیر وانعکاس دین در رفتارهای روزمره است (افشانی، 1380: 79).

با توجه به برخی ابعاد درونی و کاملاً شخصی دینداری و به‌دلیل بلاوصف بودن و یا امتناع فرد از ابراز - به سبب فروتنی یا رازداری - سنجش آن‌ها عملاً غیر ممکن است، لذا با

توجه به الگوهای مختلف برای سنجش دینداری، ما در اینجا با سه بعد: اعتقادی، عاطفی و مناسکی (اعمال دینی) سعی در سنجش آن در بین کارکنان داشته‌ایم.

بعد اعتقادی

دورکیم معتقد است که اعتقادات مذهبی باعث می‌شود، افراد وابسته و مطیع یک قدرت خارجی شوند. (همیلتون، 1377) به طوری که افراد منافع شخصی خود را از یاد می‌برند. در واقع اعتقادات دینی نوعی اقتدار اخلاقی به همراه دارد که احساس ملکوتی را در افراد بیدار می‌کند (آرون، 1381). او معتقد است اعتقادات دینی یک دید مشترکی از جهان به افراد اعطا می‌کند که سازماندهی افراد را تسهیل می‌کند.

اعتقادات دینی نوعی اقتدار به همراه دارد که به واسطه آن یک سیستم کنترل درونی در افراد ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که افراد احساس مسئولیت بیشتری نسبت به اعضای دیگر داشته باشند و همین عامل بازدارنده برای برخی اعمال و رفتارهای انحرافی است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اعتقادات دینی باعث انسجام و همبستگی گروهی، احساس مسئولیت اجتماعی است که همگی از شاخص‌های مطرح در زمینه سرمایه اجتماعی می‌باشند و اعتقادات دینی می‌تواند به عنوان سرمایه اجتماعی عمل نماید.

بعد عاطفی

وبر اعتقاد دارد آموزه‌های مذهبی به انسان‌ها این طور القا می‌کند که بی‌عدالتی‌های آشکار جهان ظاهری‌اند و بدین ترتیب دین می‌تواند خصلت به ظاهر خودسرانه جهان را معنی‌دار و سامان‌مند جلوه دهد و در واقع توجیه خوشبختی و بدبختی را برای آدمیان فراهم می‌کند (همیلتون، 1377)؛ برگر نیز معتقد است، انسان همیشه بیم و وحشتی از بی‌معنا شدن زندگی دارد؛ بنابراین تمایل به نظام معانی که به لحاظ اجتماعی، هدفدار است پیدا می‌کند که دین یکی از مؤثرترین ابزارهای ایجاد این نظام است (توسلی، 1380).

یکی از اضطراب‌ها ترس از مرگ و رسیدن به احساس پوچی است. اما آموزه‌های دینی اهداف برتری ایجاد می‌کند که هر کس می‌تواند به فراخور رعایت اصول دینی به آن‌ها دست یابد. دین باعث آرامش روحی و احساس خوشبختی در افراد و رفع ناامیدی از زندگی آنان می‌شود و بدین ترتیب امید به زندگی در افراد افزایش یافته و راه حلی برای

احساس پوچی آن‌ها فراهم می‌آورد. بنابراین همه کارکردهای مطرح شده دین برای زندگی انسان‌ها، از جمله ایجاد آرامش روحی، احساس خوشبختی، رفع ناامیدی، هدفدار جلوه دادن زندگی و افزایش امید به زندگی همه از مواردی هستند که باعث ایجاد سرمایه اجتماعی در جامعه می‌شوند.

بعد مناسکی

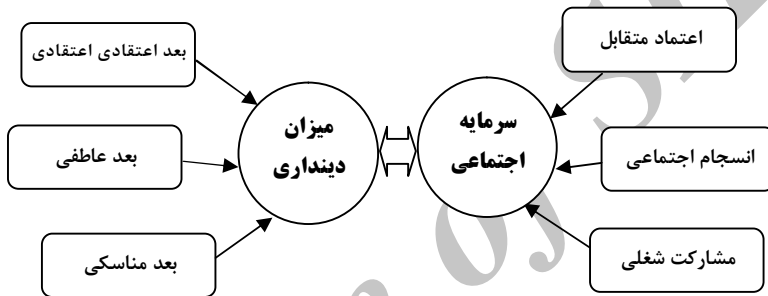
پارتو معتقد است، تمامی ادیان واجد مناسک و اعمالی هستند. این اعمال در نظر وی ابزار است که فرد را وامی‌دارد تا یکپارچگی خود را با دیگر اعضای جامعه تثبیت یا ترمیم کند (آرون، 1381). مالینوفسکی معتقد است کسی که به مناسک عمل کند، بر اثر تخلیه عاطفی آرامش بیشتری احساس کرده و وظایفش در جامعه را به گونه مؤثرتری انجام می‌دهد. او همچنین معتقد است که مناسک نیرومندترین وسیله یکپارچگی دوباره برای گروهی است که همبستگی‌اش متزلزل شده و بهترین شیوه ترمیم روحیه تضعیف‌شده گروه به‌شمار می‌آید (همیلتون، 1377). دورکیم معتقد است همه مناسک این کارکرد اجتماعی عمده را دارند که همان حفظ جماعت، تروتازه نگه داشتن حس تعلق به گروه است (آرون، 1381) و نیز معتقد است که افراد در حین اجرای مناسک مذهبی نوعی همدلی با هم پیدا می‌کنند؛ زیرا طی اجرای مناسک دینی اعمال و کردارهایی همانند انجام می‌دهند و بنابراین با هم احساس نزدیکی می‌کنند.

انجام مناسک مذهبی فعالیت‌های جمعی است که فرد را از خود بیخود کرده و باعث می‌شود، فرد جزئی از نیروی گروه شود. کارکرد دیگر مناسک دینی این است که در اثر معاشرت افراد با یکدیگر و بالا رفتن کنش متقابل میان آنان و شکل‌گیری شبکه‌های روابط و به تبع آن احساس همدلی که در آنان شکل می‌گیرد، میل به مشارکت در آنان افزایش می‌یابد. به‌طوری‌که افراد دیندار با مشارکت یکدیگر به امور خیریه و کمک و یاری به دیگران می‌پردازند. این احساس همدلی، همبستگی و انسجام همگی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌باشند.

باتوجه به مباحث نظری فوق، فرضیات تحقیق عبارت‌اند از:

- بین میزان دینداری کارکنان و سرمایه اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

- میان میزان اعتقاد مذهبی (بعد اعتقادی دینداری) و سرمایه اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد.
- بین میزان عواطف دینی (بعد عاطفی دینداری) و سرمایه اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد.
- بین میزان انجام مناسک دینی (بعد مناسکی دینداری) و سرمایه اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد.



روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، از یک سو، روش اسنادی¹ که در آن به مطالعه کتب، مجلات و مقالات مرتبط پرداخته شده است و از سوی دیگر، روش پیمایش² است که به مطالعه آنچه هست می پردازد و در این راستا با تنظیم پرسشنامه و آرایه آن به کارکنان صنایع پتروشیمی واقع در منطقه ماهشهر، رابطه بین دینداری و سرمایه اجتماعی آن ها سنجیده شده است. به لحاظ معیار زمان این تحقیق از نوع مقطعی است. واحد تحلیل فردوسطح تحلیل خرد است. جامعه آماری در این تحقیق شامل تمام کارکنان رسمی شرکت های پتروشیمی واقع در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی در ماهشهر می باشد این افراد در 8 شرکت و به تعداد 3100 نفر می باشند که در این منطقه مشغول به کار می باشند و از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده گردید و به صورت هر شرکت یک خوشه از بین کارکنان آنان به صورت تصادفی نمونه گیری به عمل آمد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران

1. Documentary method
2. Survey method

استفاده شده و با در نظر گرفتن خطای نمونه‌گیری و سطح اطمینان 95 درصد ($t=1/96$) و دقت احتمالی مطلوب $d=0/05$ تعداد نمونه مورد نیاز، 320 نفر بر آورد گردید. یکی از روش‌های تعیین پایایی آزمون با تأکید بر همسانی درونی روش ضریب آلفای کرو نباخ نام دارد. این روش همسانی درونی یا ثبات درونی را اندازه‌گیری کرده و نشان می‌دهد که سوالات آزمون تا چه اندازه توانایی درست و صحیح را دارند. در این پژوهش ابتدا از 30 نفر از شرکت‌های مختلف آزمون مقدماتی¹ انجام شد. با ورود پاسخ‌ها به نرم‌افزار SPSS برای متغیرهای متفاوت آلفای کرو نباخ محاسبه گردید که با اندک تغییراتی نظیر حذف پرسش‌ها، این ضریب برای تمام متغیرها بالای 0/7 به دست آمد و در مجموع برای کلیه پرسشنامه عدد 85/0 به دست آمد که حاکی از پایایی مناسب وسیله اندازه‌گیری است.

یافته‌های پژوهش

الف. آزمون فرضیه اصلی

در فرضیه اصلی ادعا شده است که میان میزان دینداری و سرمایه اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه هدف از این آزمون بررسی وجود رابطه بین دو متغیر کمی می‌باشد، لذا از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌گردد. جدول زیر نتایج این آزمون را نشان می‌دهد:

جدول شماره 1. نتایج آزمون فرضیه اصلی

| | | سرمایه اجتماعی | میزان دینداری |
|----------------|---------------------|----------------|---------------|
| سرمایه اجتماعی | Pearson Correlation | 1 | 450 ** |
| | Sig. (2-tailed) | | 000 |

1. pre test

با توجه به $R = 0/45$ و سطح معنی‌داری (P) کمتر از 0.05 ($Sig = 0/000$) فرضیه تحقیق تأیید شده و فرضیه صفر رد می‌شود. مشخص می‌گردد رابطه مثبت و مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد، یعنی هرچه میزان دینداری بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی کارکنان از سطح بالاتری برخوردار خواهد بود. در ضمن شدت رابطه، متوسط است. بنابراین می‌توان گفت با اطمینان 99 درصد میان میزان دینداری و سرمایه اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد.

ب. یافته‌های جانبی (آزمون فرضیه‌های فرعی)

1. ارتباط میان سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌های (ابعاد مختلف) دینداری

برای بررسی این ارتباط از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کرده‌ایم. نتایج در جدول زیر گنجانده شده‌اند:

جدول شماره 2. ارتباط میان سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌های دینداری

| مناسکی | عاطفی | اعتقادی | سرمایه اجتماعی | | |
|----------|----------|----------|----------------|----------------------------|----------------|
| 0/391 ** | 0/431 ** | 0/341 ** | 1 | Pearson Correlation | سرمایه اجتماعی |
| 0/000 | 0/000 | 0/000 | | Sig. (2-tailed) | |
| 0/552 ** | 0/662 ** | 1 | 0/341 ** | Pearson Correlation | اعتقادی |
| 0/000 | 0/000 | | 0/000 | Sig. (2-tailed) | |
| 0/577 ** | 1 | 0/662 ** | 0/431 ** | Pearson Correlation | عاطفی |
| 0/000 | | 0/000 | 0/000 | Sig. (2-tailed) | |
| 1 | 0/577 ** | 0/552 ** | 0/391 ** | Pearson Correlation | مناسکی |
| | 0/000 | 0/000 | 0/000 | Sig. (2-tailed) | |

با نگاهی اجمالی به نتایج به دست آمده، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که: در زمینه بعد اعتقادی؛ با توجه به $R = 0/34$ و سطح معنی‌داری (P) کمتر از $0/05$ ($Sig = 0/000$) فرضیه تحقیق تأیید شده و مشخص می‌گردد رابطه مثبت و مستقیمی بین

دومتغیر وجود دارد. یعنی هرچه میزان بعد اعتقادی دینداری افراد بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی آنان از سطح بالاتری برخوردار خواهد بود.

در زمینه بعد عاطفی؛ با توجه به $R = 0/431$ و سطح معنی‌داری (P) کمتر از 0/05 (Sig=0/000) فرضیه تحقیق تأیید شده و مشخص می‌گردد رابطه مثبت و مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد، یعنی هرچه میزان شدت عواطف مذهبی میان افراد بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی کارکنان از سطح بالاتری برخوردار خواهد بود.

در زمینه بعد مناسکی؛ با توجه به $R = 0/391$ و سطح معنی‌داری (P) کمتر از 0/05 (Sig=0/000) فرضیه تحقیق تأیید شده و مشخص می‌گردد رابطه مثبت و مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد، یعنی هرچه میزان پایبندی به مناسک دینی میان کارکنان بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی آنان از سطح بالاتری برخوردار خواهد بود.

2. ارتباط دینداری با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

برای بررسی این ارتباط از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کرده‌ایم. نتایج در جدول زیر گنجانده شده‌اند:

جدول شماره 3. ارتباط دینداری با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

| مشارکت | انسجام | اعتماد | دینداری | | |
|---------|---------|---------|---------|----------------------------|---------|
| 0/377** | 0/320** | 0/267** | 1 | Pearson Correlation | دینداری |
| 0/000 | 0/000 | 0/000 | | Sig. (2-tailed) | |
| 0/291** | 0/289** | 1 | 0/267** | Pearson Correlation | اعتماد |
| 0/000 | 0/000 | | 0/000 | Sig. (2-tailed) | |
| 0/178** | 1 | 0/289** | 0/320** | Pearson Correlation | انسجام |
| 0/003 | | 0/000 | 0/000 | Sig. (2-tailed) | |
| 1 | 0/178** | 0/291** | 0/377** | Pearson Correlation | مشارکت |
| | 0/003 | 0/000 | 0/000 | Sig. (2-tailed) | |

همان گونه که جدول فوق نشان می‌دهد هر کدام از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به صورت جداگانه نیز با میزان دینداری رابطه دارند، یعنی رابطه‌ای دوطرفه بین این دو متغیر وجود دارد. پس می‌توان این گونه بیان نمود که هرچه میزان اعتماد میان کارکنان بیشتر باشد، سطح دینداری آنان نیز بیشتر خواهد شد و نیز در زمینه انسجام و میزان مشارکت آنان.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که میان سرمایه اجتماعی و میزان دینداری کارکنان رابطه مستقیم، مثبت و معنی‌داری وجود دارد. و با توجه به سطح معنی‌داری 0/000 می‌توان با اطمینان 99 درصد این رابطه را تأیید کرد. یعنی هرچه میزان دینداری کارکنان بالاتر باشد، سطح سرمایه اجتماعی آنان بالاتر خواهد بود. نیز هرچه سطح سرمایه اجتماعی کارکنان بالاتر باشد بر بالا بردن میزان دینداری مؤثر خواهد بود.

در بخش نظری تحقیق بیان کردیم که اکثر صاحب‌نظران این حوزه بر تأثیر دین و ایدئولوژی بر سرمایه اجتماعی تأکید دارند و از آن جمله کلمن و فوکویاما می‌باشند. و با تأیید این فرضیه بار دیگر این نظرات تأیید گردیدند. برای اطمینان بیشتر از وجود رابطه، آزمون همبستگی پیرسون برای مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با میزان دینداری به صورت جدا بررسی گردید که باز هم وجود رابطه میان تمام مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با میزان دینداری اثبات گردید، یعنی هرچه میزان دینداری بیشتر باشد، در میان کارکنان "اعتماد متقابل"، "انسجام اجتماعی" و "مشارکت شغلی" بیشتر خواهند بود.

نتیجه مشابهی که در تحقیق محمود کتابی و دیگران در مقاله‌ای با عنوان "دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی" بیان گردیده بدین صورت است که... «از آنجا که مذهب در شکل ناب و پویای آن به‌عنوان نیرویی تلقی می‌گردد که در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی نقش بسزایی ایفا می‌کند، به‌نظر می‌رسد تغییر در کیفیت آن به تغییر در سطح برخورداری از سرمایه اجتماعی نیز منجر شود، به‌عبارت دیگر با توجه به وجود رابطه بین مذهب و سرمایه اجتماعی شاید بتوان این اصل را تدوین نمود که: هرچه جامعه مذهبی‌تر باشند به همان نسبت سرمایه اجتماعی آنان نیز افزایش خواهد یافت» (کتابی و دیگران، 1383: 189).

و شاید بتوان این را این گونه تفسیر کرد که جدای از اینکه فرد چند سال است که به استخدام سازمان درآمده، و سن و جنس او و وضعیت تأهل او چگونگی و نیز میزان حقوق دریافتی و سطح تحصیلات او در چه وضعیتی قرار دارد، میزان دینداری وی در سرمایه اجتماعی مؤثر هست؛ یعنی آنچه باید سازمان بر روی آن تأکید کند توجه به میزان دینداری کارکنان است و این متغیر بین کارکنان عمومیت داشته و باعث طبقه‌بندی آنان نمی‌شود. یعنی با این متغیر می‌توان تمام کارکنان را در بالا بردن سرمایه اجتماعی سازمان سهیم دانست و مدیریت سازمان باید به تمام گروه‌های کارکنان توجه کافی را داشته باشد، تا از مزایای بالا بودن سرمایه اجتماعی همه منتفع گردند.

نکته قابل تأمل در این زمینه آن است که رده خاصی از کارکنان یا گروه خاصی از کارکنان که با مشخصه‌هایی مانند سن، سطح تحصیلات، سابقه کار بالا و... مشخص و از هم تفکیک می‌گردند به تنهایی در بالا بردن سطح سرمایه اجتماعی سازمان مؤثر نیستند و اینکه مدیریت سازمان به گروه یا قشر خاصی توجه ویژه داشته باشد، کمکی به بالا بردن سطح سرمایه اجتماعی که باید هدف غایی سازمان باشد، نمی‌کند و در راستای تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی نبوده و چه بسا در راستای تضعیف بنیان‌های آن باشد.

حمایت از فعالیت‌های خودجوش نظیر انجمن‌های خیریه، صندوق‌های قرض‌الحسنه و فعالیت‌های ورزشی دسته جمعی و تیمی، که باعث همیاری و همکاری بیشتر میان کارکنان شده و محیط کار را با نشاط خواهد کرد، انجام گیرد. البته در این راستا تقویت و حمایت از فعالیت‌های دینی و مذهبی باعث بالا بردن میزان فعالیت‌های خودجوش و در نتیجه انسجام کارکنان می‌گردد.

در مکانی که این تحقیق انجام یافته، تقریباً همه امکانات، دولتی بوده و در کنترل سازمان است در نتیجه کمک افراد به یکدیگر کمتر حاصل می‌گردد. همه خدمات در اختیار و با برنامه‌ریزی سازمان و شرکت‌های تابعه صورت می‌پذیرد؛ حتی مراسمات عمومی مذهبی و سنتی با دخالت و هزینه شرکت‌ها انجام می‌گیرد، هیئت‌های مذهبی که در همه جای ایران اسلامی مرسوم و معمول است، به صورت خودجوش تشکیل نمی‌گردند و تقسیم کار به صورت سنتی بین افراد صورت نمی‌گیرد.

مدیریت و تصمیم‌گیرندگان سازمان باید با حمایت از برگزاری برنامه‌های مذهبی، گرامیداشت ایام مذهبی که شعار دینی هستند، و نیز حمایت از آموزش‌های دینی و استفاده از افراد مجرب در این زمینه، بیش از پیش در جهت تقویت دینداری کارکنان، گام بردارند. یعنی مدیریت سازمان دین را به‌عنوان عاملی انسجام‌بخش، در جهت تقویت همکاری و همیاری و نیز عاملی اساسی در تقویت اعتماد متقابل بنگرد که در نهایت همگی به ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی منجر می‌شوند.

Archive of SID

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (1383)، **توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران**، نشر نی، تهران.
- افشانی، سیدعلیرضا (1381)، بررسی چگونگی تساهل سیاسی در تشکلهای دانشجویی، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه علامه طباطبائی.
- الوانی، سید مهدی (1380)، نقش مدیریت در ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی، **تدبیر**، شماره 100.
- ابوانز، تی دیوید (1379)، بررسی مجدد رابطه دین و جرم، ترجمه علی سلیمی، **مجله علوم انسانی، روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)**، ش 23.
- پورموسوی، فتح‌الله (1381)، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی، **مجله راهبرد**، ش 26، زمستان.
- تاجبخش، کیان (1384)، **سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه**، تهران: نشر شیرازه.
- توسلی، غلامعباس (1380)، **جامعه‌شناسی دین**، تهران: نشر سخن.
- زین‌آبادی، محسن (1387)، تئوری و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه، تهران: **پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام**، شماره 16.
- شارع‌پور، محمود (1380)، فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، **انجمن جامعه‌شناسی ایران**، شماره 3.
- شجاعی‌باغینی، سیدمهدی (1387)، **مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شجاعی زند، علیرضا (1384)، مدلی برای سنجش دینداری در ایران، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ششم، شماره 1، ص 34-66.
- علوی، بهروز (1380)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، **ماهنامه تدبیر**، شماره 116.
- فیلد، جان (1388)، **سرمایه اجتماعی**، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: انتشارات کویر، چاپ دوم.
- فوکویاما، فرانسیس (1385)، **پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات حکایت قلم نوین.

- فیروزآبادی، احمد (1384)، نقد و معرفی کتاب بولینگ تک‌نفره: فروپاشی و احیای مجدد آمریکایی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره دوم.
- کتابی، محمود، گنجی، محمد، احمدی، یعقوب، معصومی، رضا (1383)، *دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی*، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، ش 2، صص 169-192.
- کلمن، جیمز (1386)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نشر نی.
- همیلتون، ملکم (1377)، *جامعه‌شناسی دین*، محسن ثلاثی، تهران: نشر تبیان.

- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital, in Education, Culture, Economic society. A. H. Hlsey, H. Brown, P. Wells, and A. Stuart (eds). London, Oxford University Press

- Coleman, J. (1998). The creation and Destrction of social: Implication for the law, Notre dame journal of law ,Ethics and Publicity ,vol,3:pp. 375-404

- Putnam, R. D. (2000) *Bowling Alone: The collapse and revival of American Community*, Simon and Schuster, New York